



## خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها

### مشخصات کتاب

سرشناسه: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق.

عنوان و نام پدیدآور: خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها/ مترجم مکارم شیرازی؛ به سفارش اداره فرهنگی و تربیتی مدیریت مدارس حوزه علمیه قم.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۶۰ ص.؛ ۱۶×۸ س م.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۰۰-۱

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: واژه نامه.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- خطبه ها

شناسه افزوده: مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۰۵ -، مترجم

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. مرکز مدیریت. امور مدارس. اداره فرهنگی تربیتی

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)



رده بندی کنگره/BP27/22 : م ۶ خ ۶ ۱۳۸۶

رده بندی دیوبی : ۹۷۳/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۱۳۷۶۷

ص: ۱

**اشاره**

ص: ۲

خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها

مترجم مکارم شیرازی

ص: ۳

**فهرست**

تصویر



## فهرست

- پیشگفتار: ..... ۵
- عظمت و اهمیت خطبه ..... ۷
- اسناد و مدارک خطبه ..... ۹
- متن خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها ..... ۱۰

## پیشگفتار

این کتاب در ایام شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها به عنوان متن مسابقه بزرگ «حفظ خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها همراه با مفاهیم کلمات نورانی آن حضرت» تهیه و منتشر گردید و با توجه به استقبال گسترده طلاب علوم دینی پس از بازبینی و اصلاحاتی برای دومین مرتبه در تیراژ بالاتری چاپ و منتشر می گردد.

از خوانندگان گرامی درخواست می کنیم پیش از مطالعه، نکات ذیل را ملاحظه فرمایند:

1. این نوشتار به خطبه تاریخی حضرت زهرا سلام الله علیها پرداخته است. خطبه معروفی که علاوه بر مباحث اعتقادی و تبیین جایگاه قرآن، پیامبر صلی الله علیها و آله و اهل بیت علیهم السلام حوادث و رویدادهای بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیها و آله را بررسی نموده و از جامعیت ویژه ای برخوردار است و در واقع خطبه های حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه را تداعی می کند.

2. ترجمه خطبه از کتاب ارزشمند «زهرا سلام الله علیها، برترین بانوی جهان» حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی که علاوه بر تشریح زندگانی و فضایل حضرت زهرا سلام الله علیها به شرح و ترجمه خطبه آن حضرت با بیانی زیبا و شیوا پرداخته، نقل شده است.

3. در چاپ اول بخش «واژه شناسی» که از کتاب «شرح خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها» نوشته آیه الله سید عزالدین زنجانی بهره گرفته ایم به صورت مستقل در پایان جزوه آمده بود. با پیشنهاد دوستان در چاپ دوم واژه های هر صفحه در همان صفحه درج شده است. امید است این تلاش مورد عنایت حضرت زهرا سلام الله علیها قرار گیرد و گام کوچکی در راه ایجاد انس با متون روایی اهل بیت علیهم السلام باشد.



با توجه به استقبال و مراجعات مکرر تصمیم به چاپ مجدد آن گرفتیم از همه عزیزان که ما را یاری نمودند کمال تشکر و امتنان را داریم.

مدیر مسئول انتشارات مسجد مقدس جمکران حسین احمدی

ص: ۶

### عظمت و اهمیت خطبه

هرچه بیشتر خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها مورد مطالعه قرار می گیرد، عظمت و اهمیت خطبه بیشتر روشن می گردد و خوانندگان محترم با مطالعه خطبه این مطلب را تصدیق خواهند نمود. لذا با توجه به ظرفیت نوشته به ذکر دو مطلب مستند در مورد عظمت و اهمیت خطبه در قالب دو عنوان اکتفا می کنیم.

#### 1. تعلیم خطبه:

راوی می گوید: خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها را نزد «زید» فرزند «امام سجاد» علیه السلام خواندم و گفتم: برخی گمان می کنند خطبه کلام حضرت زهرا سلام الله علیها نیست بلکه کلام «ابی العیناء» است. در پاسخ گفت: این خطبه را بزرگان آل ابوطالب از پدرانشان نقل نموده و آن را به فرزندانشان یاد می دادند. پدرم خطبه را از جدم نقل و سند آن را به حضرت زهرا سلام الله علیها

ص: ۷

رسانید و بزرگان شیعه آن را نقل نموده و مطالعه می کردند قبل از آنکه «جد ابی العیناء» متولد گردد (1).

#### 2. حفظ خطبه

«علامه سید شرف الدین» در کتاب «المراجعات» می نویسد: حضرت زهرا سلام الله علیها دارای حجج بالغه ای است و دو خطبه آن حضرت در مورد ولایت مشهور است.



اهل بیت علیهم السلام فرزندانشان را به حفظ این دو خطبه وامی داشتند آن سان که به حفظ قرآن وامی داشتند (2).

ص: ۸

1- بحار الانوار ج ۲۹ - ص ۲۳۵ - بلاغات النساء ص ۲۳

2- المراجعات ص ۳۹۲

### اسناد و مدارک خطبه

این خطبه از خطبه هایی است که علمای بزرگ شیعه و اهل سنت با سلسله سندهای بسیار آن را نقل کرده اند. برخی از منابع شیعه و اهل سنت که خطبه را به صورت کامل یا بخش هایی از آن را نقل نموده اند عبارتند از:

1 - شرح «نهج البلاغه» اثر «ابن ابی الحدید معتزلی».»

« 2 - کشف الغمه» اثر «علی بن عیسی اربلی».»

« 3 - مروج الذهب» اثر «مسعودی».»

« 4 - شافی» اثر «سید مرتضی».»

« 5 - علل الشرایع» اثر «صدوق».»

« 6 - طرائف» اثر «سید بن طاووس».»

« 7 - احتجاج» اثر «مرحوم طبرسی».»

### متن خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَالثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمومٍ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا، وَ سُبُوغٍ (1) آلاءٍ (2) أسدأها (3)، وَتَمَامٍ مِنْ (4) وَالآهَاءِ!

جَمَّ (5) عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدْدُهَا، وَنَائِي عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا، وَتَفَاوَتَ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدُهَا وَنَدَبَهُمْ (6)، لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا، وَاسْتِحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا، وَتَنَّى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا.

وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةٌ جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَأَنَارَ فِي الْفِكْرِ مَعْقُولَهَا.

3- 1 وسیع و فراخ در محاورات فصیح می گویند: «ذرع سابغ»؛ زره رسا، نه دراز و نه کوتاه.

4- 2 جمع «الی» نعمت.

5- 3 «إسداء» عطا، بخشیدن.

6- 4 جمع «منت»، نعمت های گران قدر.

7- 5 زیاد.

8- 6 «ندب» دعوت نمودن.



خدا را بر نعمت هایش سپاس می گویم، و بر توفیقاتش شکر می کنم، و بر مواهبی که ارزانی داشته، ثنا می خوانم.

بر نعمت های گسترده ای که از آغاز به ما داده.

و بر مواهب بی حسابی که به ما احسان فرموده.

و بر عطایای پی در پی که همواره ما را مشمول آن ساخته. نعمت هایی که از شماره و احصاء بیرون است.

و به خاطر گستردگی در بستر زمان هرگز قابل جبران نیست.

و انتهای آن از ادراک انسان ها خارج است.

بندگان را برای افزایش و استمرار این مواهب به شکر خویش فراخوانده.

و خلاق را برای تکمیل آن به ستایش خود دعوت نموده.

و آنان را برای به دست آوردن همانند آنها تشویق فرموده.

و من شهادت می دهم که معبودی جز خداوند یکتا نیست. بی مثال است، و شریک و مانند ندارد.

این سخنی است که روح آن اخلاص است، و قلوب مشتاقان با آن گره خورده، و آثار آن در افکار

پرتوافکن شده.

ص: ۱۱

الْمُتَّعِ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتُهُ، وَمِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتُهُ، وَمِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ.

أَبْتَدَعَ (1) الْأَشْيَاءَ لَأَنَّ مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَأَنْشَأَهَا بِلَا احْتِدَاءٍ (2) أَمْثَلَهُ أَمْثَلَهَا.





كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ، وَ ذَرَأَهَا (3) بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَ لَافَائِدَهُ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا إِلَّا تَثْبِيْتًا لِحَكْمَتِهِ، وَ تَنْبِيْهًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَ إِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ، وَ تَعْبُدًا لِبَرِيَّتِهِ، وَ اعْزَازًا (4) لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَّتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ عَنِ نِقْمَتِهِ وَ حِيَاشَهَ (5) لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ.

ص: ۱۲

9- 1-ابتداع» بدون مثال و نقشه قبلی، اختراع.

10- 2-پیروی کردن.

11- 3-از ماده «ذراً» آفرید.

12- 4-گرامی داشتن و ارجمند داشتن.

13- 15-اگر شکاری را به طرف کسی برانند می گویند: حُشْتُ عَلَيْهِ الصَّيْدَ: شکار را به سوی او راندم.

خدایی که رؤیتش با چشم ها غیر ممکن است، و بیان اوصافش با این زبان، محال، و درک ذات مقدسش برای عقل و اندیشه ها ممتنع است.

موجودات جهان هستی را ابداع فرمود، بی آنکه چیزی پیش از آن وجود داشته باشد.

و همه آنها را ایجاد کرد، بی آن که الگو و مثالی قبل از آن موجود باشد.

آنها را به قدرتش تکوین نمود، و به اراده اش خلق کرد، بی آن که به آفرینش آنها نیاز داشته باشد، یا فایده ای از صورت بندی آنها عاید ذات پاکش شود.

جز این که می خواست حکمتش را از این طریق آشکار سازد. مردم را به اطاعتش دعوت کند.

قدرت بی پایان خود را از این دریچه نشان دهد.

خلایق را به عبودیت خود رهنمون گردد.



و دعوت پیامبرانش را از طریق هماهنگی تکوین و تشریح قوت بخشد.

سپس برای اطاعتش پاداش ها مقرر فرموده، و برای معصیتش کیفرها.

تا بندگان را بدین وسیله از خشم و انتقام و عذاب خویش رهایی بخشد، و به سوی باغ های بهشت و کانون رحمتش سوق دهد.

ص: ۱۳

وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، إِخْتَارَهُ وَ أَنْتَجَبَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ (1)، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعْتَهُ (2)، إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ (3)، وَ بَسْتَرِ الْأَهَاوِيلِ (4) مَصُونَةٌ (5)، وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ.

عِلْمًا مِنْ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ [بِمَالِ (6) الْأُمُورِ، وَ إِحَاطَهُ بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ (7)]، وَ مَعْرِفَهُ بِمَوَاقِعِ الْمَقْدُورِ.

إِبْتَعْتُهُ اللَّهُ أَتَمَامًا لِأَمْرِهِ، وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَ إِنْفَازًا لِمَقَادِيرِ حَتْمِهِ.

فَرَأَى الْأُمَّمَ فُرْقًا (8) فِي أَدْيَانِهَا، عُكْفًا (9) عَلَى نِيرَانِهَا، [وَ] عَابِدَهُ لِأَوْثَانِهَا (10)، مُنْكَرَهُ لِلَّهِ مَعَ عَرْفَانِهَا.

ص: ۱۴

14- 1 او را آفرید.

15- 2 او را مبعوث داشت.

16- 3 مستور.

17- 4 جمع «اهوال» حوادث ترس آور.

18- 5 محفوظ.

19- 6 جمع «مآل»، عاقبت و آخر کار.

20- 7 جمع «دهر» روزگاران دراز.



21- 8-فرق»: جمع فرقه، گروهها.

22- 9-جمع «عاکف»، ملازمان.

23- 10-جمع «وثن»، بت ها.

و گواهی می دهم که پدرم محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست، پیش از آن که او را بفرستد، برگزید؛ و پیش از آن که او را بیافریند، برای این مقام نامزد فرمود؛ و قبل از بعثتش او را انتخاب نمود.

در آن روز که بندگان در عالم غیب پنهان بودند، و در پشت پرده های هول انگیز نیستی پوشیده و به آخرین سرحد عدم مقرون بودند.

این به خاطر آن صورت گرفت که خداوند از آینده آگاه بود، و به حوادث جهان احاطه داشت، و مقدرات را به خوبی می دانست.

او را مبعوث کرد تا فرمانش را تکمیل کند، و حکمش را اجرا نماید، و مقدرات حتمی اش را نفوذ بخشد.

هنگامی که مبعوث شد، امت ها را مشاهده کرد که مذاهب پراکنده ای را برگزیده اند؛ گروهی بر گرد آتش طواف می کنند، و گروهی در برابر بت ها سر تعظیم فرود آورده اند، و با این که با قلب خود خدا را شناخته اند، او را انکار می کنند.

ص: ۱۵

فَأَنارَ اللهُ بِمُحَمَّدٍ [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] ظُلْمَهَا، وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا (1)، وَجَلَّى عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَمَهَا (2).

وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ، وَ أَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ (3)، وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ (4)، وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ.



ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيَارٍ، وَ رَغْبَةً وَ اِثَارًا، فَمُحَمَّدٌ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنْ] مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ حُفَّ (5) بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ، وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْعَفَّارِ، وَ مُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ.

صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي، نَبِيِّهِ وَ أَمِينِهِ عَلَى الْوَحْيِ وَ صَفِيِّهِ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ رَضِيِّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

ص: ۱۶

24- 1 جمع «بهمه» مسائل مشکل و پیچیده و حیرت زا.

25- 2 تحیر و راه نیافتن.

26- 3 گمراهی، ضد رشد.

27- 4 کوری و گمراهی.

28- 5 فرا گرفته شد.

خداوند به نور محمد صلی الله علیه و آله ظلمت ها را برچید، و پرده های ظلمت را از دل ها کنار زد، و ابرهای تیره و تار را از مقابل چشم ها برطرف ساخت.

او برای هدایت مردم قیام کرد، و آنها را از گمراهی و غوایت رهایی بخشید، و چشم هایشان را بینا ساخت، و به آئین محکم و پای برجای اسلام رهنمون گشت، و آنها را به راه راست دعوت فرمود.

سپس خداوند او را با نهایت محبت و اختیار خود و از روی رغبت و ایتار قبض روح کرد، سرانجام او از رنج این جهان آسوده شد و هم اکنون در میان فرشتگان، و خشنودی پروردگار غفار و در جوار قرب خداوند جبار قرار دارد.

درود خدا بر پدرم پیامبر صلی الله علیه و آله امین وحی، و برگزیده او از میان خلایق باد، و سلام بر او و رحمت خدا و برکاتش.



ص: ۱۷

ثُمَّ انْتَفَتَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ وَقَالَتْ: أَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ نُصِبَ أَمْرُهُ وَنَهِيهِ، وَحَمَلَهُ دِينَهُ وَوَحْيِهِ، وَ  
أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَبَلَعَاؤُهُ (1) إِلَى الْأُمَّمِ.

وَزَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ فِيكُمْ، وَعَهْدٌ قَدَمَهُ إِلَيْكُمْ.

وَبَقِيَهُ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ: كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَالنُّورُ السَّاطِعُ، (2) وَالضِّيَاءُ اللَّامِعُ، (3) بَيْنَهُ  
بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفُهُ سَرَائِرَهُ، مُتَجَلِّيهِ ظَوَاهِرَهُ، مُغْتَبِطُهُ (4) بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدُهُ إِلَى الرِّضْوَانِ إِتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّ (5) إِلَى النَّجَاهِ  
اسْتِمَاعُهُ.

ص: ۱۸

29- 1 جمع «بلیغ»، رسانندگان پیام یا خبر.

30- 2 نور ساطع» نور برآمده همراه با درخشندگی است.

31- 3 اسم فاعل از «لمعان» روشن شدن و درخشیدن.

32- 4 آرزو بردن به حال کسی بدون آن که زوال آن را از وی بخواهد، در مقابل حسد که زوال آن را

آرزو می کند.

33- 5 ایصال، رساندن.

سپس رو به اهل مجلس کرد و مسئولیت سنگین مهاجران و انصار را برشمرد و فرمود:

شما ای بندگان خدا! مسؤولان امر و نهی پروردگار و حاملان دین و وحی او هستید، و نمایندگان خدا بر

خویشتن، و مبلغان او به سوی امت ها می باشید.



پاسدار حق الهی در میان شما، و حافظ پیمان خداوند که در دسترس همه شماست و آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از خود در میان امت به یادگار گذارده کتاب الله ناطق، و قرآن صادق و نور آشکار و روشنایی پرفروغ اوست.

کتابی که دلایل روشن، باطنش آشکار، ظواهرش پر نور، و پیروانش پرافتخار.

کتابی که عاملان خود را به بهشت فرامی خواند، و مستمعینش را به ساحل نجات رهبری می کند.

ص: ۱۹

بِه تَنَالُ حُجَجَ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةِ، وَعَزَائِمَهُ الْمُفَسَّرَةَ، وَمَحَارِمَهُ الْمَحَذَّرَةَ، وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَةَ، وَبِرَاهِينَهُ الْكَافِيَةَ، وَفَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةَ، وَرُخْصَهُ الْمَوْهُوبَةَ، وَشَرَائِعَهُ [شَرَائِعُهُ] الْمَكْتُوبَةَ.

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرِّ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَالزَّكَاةَ تَرْكِيَةً لِلنَّفْسِ، وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَالصِّيَامَ تَثْبِيثاً لِلْإِخْلَاصِ، وَالْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَالْعَدْلَ تَنْسِيْقاً (1) لِلْقُلُوبِ، وَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمَلَّةِ، وَامَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ الْفُرْقَةِ [لِلْفُرْقَةِ]، وَالْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ، وَالصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ، وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ.

ص: ۲۰

34- 1 نظم و ترتیب دادن.

از طریق آن به دلایل روشن الهی می توان نایل گشت، و تفسیر واجبات او را دریافت، و شرح محرمات را در آن خواند، و براهین روشن و کافی را بررسی کرد، و دستورات اخلاقی و آنچه مجاز و مشروع است در آن مکتوب یافت.

سپس افزود:



خداوند «ایمان» را سبب تطهیر شما از شرک قرار داده.

و «نماز» را وسیله پاکی از کبر و غرور. «زکات» را موجب تزکیه نفس و نمو روزی.

«روزه» را عامل تثبیت اخلاص.

«حج» را وسیله تقویت آئین اسلام.

«عدالت» را مایه هماهنگی دل ها.

«اطاعت» ما را باعث نظام ملت اسلام.

و «امامت» ما را امان از تفرقه و پراکندگی.

«جهاد» را موجب عزت اسلام.

«صبر و شکیبایی» را وسیله ای برای جلب پاداش حق.

«امر به معروف» را وسیله ای برای اصلاح توده های مردم.

ص: ۲۱

وَبِرِّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةِ مَنْ السُّخْطِ، وَصِلَةِ الْأَرْحَامِ مَنْمَاهَ لِلْعَدَدِ، وَالْقِصَاصِ حَقًّا (1) لِلدَّمَاءِ، وَالْوَفَاءِ بِالنَّذْرِ  
تَعْرِضًا لِلْمَغْفِرَةِ، وَتَوْفِيهِ الْمَكَائِلِ وَالْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا لِلْبَخْسِ (2)، وَالنَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهًا عَنِ الرَّجْسِ،  
وَاجْتِنَابِ الْقَذْفِ (3) حِجَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ، وَتَرْكِ السَّرْقَةِ إِجَابًا لِلْعَقَّةِ، وَحَرَمِ اللَّهِ الشِّرْكَ إِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ.

فَ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ\* (4)(5)»، وَاطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ  
إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ\* (6).»



35- 1-نگهداری و بازداشتن خون از ریختن.

36- 2-نقص و کم دادن.

37- 3-انداختن شیء.

38- 4-سوره آل عمران، آیه ۱۰۲.

39- 5....

40- 6-سوره فاطر، آیه ۲۸.

«نیکی به پدر و مادر» را موجب پیشگیری از خشم خدا.

«صله رحم» را وسیله افزایش جمعیت و قدرت.

«قصاص» را وسیله حفظ نفوس.

«وفاء به نذر» را موجب آمرزش.

«جلوگیری از کم فروشی» را وسیله مبارزه با کمبودها.

«نهی از شراب خواری» را سبب پاکسازی از پلیدی ها.

«پرهیز از تهمت و نسبت های ناروا» را حجابی در برابر غضب پروردگار.

«ترک دزدی» را برای حفظ عفت نفس.

و «تحریم شرک» را برای اخلاص بندگی و ربوبیت حق. اکنون که چنین است تقوای الهی پیشه کنید، و «آن چنان که شایسته مقام اوست، از مخالفت فرمانش پرهیزید، و تلاش کنید که مسلمان از دنیا بروید.»





خدا را در آنچه امر یا نهی فرموده، اطاعت کنید - و راه علم و آگاهی را پیش گیرید - چرا که:

«از میان بندگان خدا، تنها عالمان و آگاهان از او می ترسند و احساس مسؤولیت می کنند.»

ص: ۲۳

ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! اْعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ، وَ أَبِي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدْءًا، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غُلَطًا، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا(1).

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ (2) حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ\*(3)»

فَإِنْ تَعَزَّوهُ (4) وَ تَعَرَّفُوهُ تَجَدُّوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَ لَنِعْمَ الْمَعَزِيُّ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ. فَبَلَّغْ بِالرِّسَالَةِ صَادِعًا (5) بِاللَّذَّارَةِ، مَائِلًا عَنْ مَدْرَجَةِ (6) الْمُشْرِكِينَ، ضَارِبًا ثَبَجَهُمْ (7)، أَخَذَابًا كُظَامِهِمْ (8).

ص: ۲۴

41- 1 دوری و تجاوز از حق.

42- 2 آنچه موجب مشقت و دشواری شما باشد.

43- 3 سوره توبه: آیه ۱۲۹.

44- 4 نسبت او را بررسی کنید.

45- 5 از «صدع» آشکار کردن، شکافتن، به جای آوردن فرمان.

46- 6 راه، محله، مرکز.

47- 7 وسط هر چیز و عمده آن، میان پشت و کتف.

48- 8 جمع «کظم»، گلو، دهان، راه تنفس.



سپس فرمود: ای مردم! بدانید من فاطمه ام! و پدرم محمد است، که صلوات و درود خدا بر او و خاندانش باد.

آنچه می گویم آغاز و انجامش یکی است - و هرگز ضدّ و نقیض در آن راه ندارد - و آنچه را می گویم غلط نمی گویم، و در اعمالم راه خطا نمی پویم.

«به یقین رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان رؤف و مهربان است.»

هرگاه نسب او را بجوید می بینید او پدر من بوده است، نه پدر زنان شما! و برادر پسر عموی من بوده است، نه برادر مردان شما! و چه پرافتخار است این نسب، درود خدا بر او و خاندانش باد!

آری او آمد و رسالت خویش را به خوبی انجام داد، و مردم را به روشنی انداز کرد، از طریقه مشرکان روی برتافت و برگردن هایشان کوبید، و گلویشان را فشرد - تا از شرک دست بردارند و در راه توحید گام بگذارند.

ص: ۲۵

دَاعِيَا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ.

يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ، وَيَنْكُتُ (1) الْهَامَ، حَتَّىٰ أَنْهَزَمَ (2) الْجَمْعُ وَوَلَّوْا الدُّبْرَ (3)، حَتَّىٰ تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ (4)، وَأَسْفَرَ (5) الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ، وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَخَرَسَتْ شَقَاشِقُ (6) الشَّيَاطِينِ، وَطَاحَ (7) وَشَيْطٌ (8) النِّفَاقِ، وَانْحَلَّتْ عُقْدُ الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ، وَفُهِتُمْ (9) بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ (10) مِنَ الْبَيْضِ (11) الْخِمَاصِ (12).

ص: ۲۶

- 49- 1 از «نکت» به رو انداختن و به سر درافکندن را می گویند.
- 50- 2 انهزام» شکست خوردن.
- 51- 3 پشت گرداندند، کنایه از شکست.
- 52- 4 شب صبح را شکافت.
- 53- 5 روشن شد.
- 54- 6 جمع «ششقه» آنچه شتر مست از دهان بیرون کند، کنایه از سخنوری.
- 55- 7 هلاک شد.
- 56- 8 مردمان پست و فرومایه.
- 57- 9 به زبان آوردید.
- 58- 10 مردم (کمتر از ده نفر).
- 59- 11 جمع «ابيض» سفید پوستان.
- 60- 12 جمع «اخمص» گرسنگان.

او همواره با دلیل و برهان و اندرز سودمند مردم را به راه خدا دعوت می کرد.

بت ها را درهم می شکست، و مغزهای متکبران را می کوبید، تا جمع آنها متلاشی شد، و تاریکی ها برطرف گشت، صبح فرا رسید، و حق آشکار شد، نماینده دین به سخن درآمد، و زمزمه های شیاطین خاموش گشت.

افسر نفاق بر زمین فرو افتاد، گره های کفر و اختلاف گشوده شد، و شما زبان به کلمه اخلاص (لا اله الا الله) گشودید، در حالی که گروهی اندک و تهیدست بیش نبودید!



وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ، مُذَقِّهِ (1) الشَّارِبِ، وَ نُهْزَهُ (2) الطَّامِعِ، وَ قَبَسَهُ (3) الْعَجْلَانَ، وَ مَوْطِئَ (4) الْأَقْدَامِ، تَشْرِبُونَ الطَّرْقَ (5)، وَ تَقْتَاتُونَ (6) الْوَرَقَ، أَذْلَهُ خَاسِّينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ. فَانْقَذِكُمْ (7) اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ اللَّتْيَا وَ اللَّتَى، بَعْدَ أَنْ مَنِيَ (8) بِهِمُ الرَّجَالِ وَ ذُؤَبَانَ الْعَرَبِ (9) وَ مَرَدَهُ (10) أَهْلَ الْكِتَابِ، كُلَّمَا أُوقِدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَّمَ (11) قَرْنُ (12) لِلشَّيْطَانِ.

ص: ۲۸

61- 1آب اندک.

62- 2فرصت.

63- 3شعله کوچک آتش.

64- 4نگد کوب.

65- 5گنداب، آب آمیخته با بول شتر.

66- 6از «قوت» به معنای غذا یعنی آذوقه خود قرار می دادید.

67- 7پوست بز دباغی نشده.

68- 8گرفتار شد.

69- 9سرکردگان عرب.

70- 10جمع «مارد» طغیان گران و سرکشان.

71- 11آشکار شد، «نجم» آشکار شدن و رویدن گیاه ها.

72- 12شاخ.

آری شما در آن روز بر لب پرتگاه آتش دوزخ قرار داشتید، و از کمی نفرات همچون جرعه ای برای شخص تشنه، و یا لقمه ای برای گرسنه، و یا شعله آتشی برای کسی که شتابان به دنبال آتش می رود، بودید، و زیر دست و پاها له می شدید!

در آن ایام آب نوشیدنی شما متعفن و گندیده بود، و خوراکتان برگ درختان! ذلیل و خوار بودید، و پیوسته از این می ترسیدید که دشمنان زورمند شما را برابند و ببلعد!

اما خداوند تبارک و تعالی شما را به برکت محمد که درود خدا بر او و خاندانش باد بعد از آن همه ذلت و خواری و ناتوانی نجات بخشید، او با شجاعان درگیر شد، و با گرگ های عرب و سرکشان یهود و نصاری پنجه درافکند، ولی هر زمان آتش جنگ را برافروختند خدا آن را خاموش کرد.

و هرگاه شاخ شیطان نمایان می گشت

ص: ۲۹

أَوْ فَعَرَّتْ (1) فَاغْرَهُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَذْفَ (2) إِخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكَفِي (3) حَتَّى يَطَأَ (4) صِمَاخَهَا بِأَخْمَصِهِ (5)، وَيُخْمَدَ (6) لَهَبَهَا (7) بِسَيْفِهِ، مَكْدُوداً (8) فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّداً فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشَمِّراً (9) نَاصِحاً، مُجَدِّداً كَادِحاً (10) وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيهِ مِنَ الْعَيْشِ، وَأَدْعُونَ (11) فَكَهُونِ آمُنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ (12) بِنَا الدَّوَائِرَ (13) وَتَتَوَكَّفُونَ (14) الْأَخْبَارَ، وَتَنْكُصُونَ (15) عِنْدَ النَّزَالِ (16)، وَتَفْرُونَ عِنْدَ الْقِتَالِ.

ص: ۳۰

73- 1 گشوده شد «فغرت فاغره»: دهانی گشوده شد.

74- 2 فعل ماضی از قذف: انداخت.

75- 3 بر نمی گشت، دست بردار نبود.

76- 4 مضارع از مصدر «وطیء» لگد کوب می کرد.

77- 5 فرورفتگی کف پا.

78- 6 «خما»: خاموش کردن.



79- 7شعله آتش.

80- 8رنج پذیر، رنج بر.

81- 9اسم فاعل «شمر» أزاره عن ساقه: بالا زد پیراهن خود را از ساق پا.

82- 10رنج بر، زحمت کش

83- 11جمع «وادی» آسوده خیالان، تن آسایان.

84- 12انتظار می کشیدید.

85- 13جمع دایره، حوادث نامطلوب.

86- 14توقع داشتید.

87- 15از آن خیری که به طرف آن رفته بودید بر می گشتید.

88- 16رویاری دو طرف در جنگ.

و فتنه های مشرکان دهان می گشود، پدرم برادرش علی علیه السلام را در کام آنها می افکند، و آنها را به وسیله او سرکوب می نمود، و او هرگز از این مأموریت های خطرناک باز نمی گشت مگر زمانی که سرهای دشمنان را پایمال می کرد و بینی آنها را به خاک می مالید!

[او (علی علیه السلام) در راه خشنودی خدا متحمل رنج و سختی گردید، و در راه انجام دستورات الهی تلاش می نمود و به رسول خدا صلی الله علیه و اله نزدیک و سید و سالار اولیای خدا بود. او همیشه آماده (فعالیت) و خیرخواه مردم بود و با جدیت و زحمت تلاش می نمود و این در حالی بود که شما در رفاه و خوشگذرانی، آسایش، نعمت و امنیت به سر می بردید و انتظار می کشیدید که برای ما (اهل بیت علیهم السلام) حوادث ناگوار پیش آید و توقع شنیدن اخبار (بد درباره ما) داشتید و هنگام جنگ عقب نشینی می کردید. و از نبرد فرار می کردید.]



فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ، وَ مَاوَى أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَتْ فِيكُمْ حَسِيكُهُ (1) النِّفَاقِ، وَ سَمَلَ (2) جَلْبَابُ (3) الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ (4) الْغَاوِينَ (5)، وَ نَبَغَ (6) خَامِلُ (7) الْأَقْلِينَ، وَ هَدَرَ فَنِيقُ (8) الْمُبْطَلِينَ، فَخَطَرَ (9) فِي عَرَصَاتِكُمْ (10)، وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ (11) هَاتِفًا بِكُمْ، فَالْفَاكُمُ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغَرِّهِ (12) فِيهِ مَلَا حَظِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا، وَ أَحْمَشَكُمْ فَالْفَاكُمُ غَضَابًا،

ص: ۳۲

89- 1- خار، کینه و عدوات در دل.

90- 2- پوشیده شد.

91- 3- روپوش.

92- 4- ساکت، خاموش.

93- 5- گمراهان، «کاظم الغاوین» گمراهان خاموش.

94- 6- ظاهر شد.

95- 7- ساقط، زبون، گمنام.

96- 8- رئیس ارجمند.

97- 9- خطر، دم جنبانیدن حیوان و به راست و چپ زدن آن.

98- 10- ساحت ها.

99- 11- جای خزیدن.

100- 12- خدعه.

اما هنگامی که خداوند سرای پیامبران را برای پیامبرش برگزید، و جایگاه برگزیدگانش را منزلگاه او ساخت، ناگهان کینه های درونی و آثار نفاق در میان شما ظاهر گشت، و پرده دین کنار رفت، گمراهان به صدا در آمدند و گمنامان فراموش شده سربلند کردند، نعره های باطل برخاست و در صحنه اجتماع شما به حرکت درآمدند.



شیطان سرش را از مخفیگاه خود بیرون کرد و شما را به سوی خود دعوت نمود، و شما را آماده پذیرش دعوتش یافت و منتظر فریض!

سپس شما را دعوت به قیام کرد و سبکبار برای حرکت یافت! شعله های خشم و انتقام را در دل های شما برافروخت و آثار غضب در شما نمایان گشت.

ص: ۳۳

فَوَسَّمْتُمْ (1) غَيْرَ اَبْلِكُمْ، وَ اَوْرَدْتُمْ غَيْرَ شَرِبِكُمْ، هَذَا وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَ الْكَلْمُ (2) رَحِيبٌ (3)، وَ الْجُرْحُ (4) لَمَّا يَنْدَمِلُ (5)، وَ الرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ.

اِبْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (6)\*، فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ! وَ كَيْفَ بَكُمْ؟ وَ اَنَّى تُوفِّكُونَ؟ وَ كَتَابُ اللَّهِ بَيْنَ اَظْهُرِكُمْ، اُمُورُهُ زَاهِرَةٌ [ظَاهِرَةٌ] (7)، وَ اَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ (8)، وَ زَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ، وَ اَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، قَدْ خَلَقْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، ارْغَبْ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ اَمْ بَغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ؟ بئسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا.

«وَمَنْ يَبْتَغِ (9) غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِينَ» (10)\*.

ص: ۳۴

101- 1 از «وسم» اثر داغ کردن حیوان با آتش.

102- 2 جراحت و زخم.

103- 3 وسیع، گشاد.

104- 4 زخم.

105- 5 جراحت، هنوز بهبودی نیافته.

106- 6 سوره توبه: آیه ۴۹.



107- 7 از «زهر» درخشان، فروزان.

108- 8 نور چهره و غالب.

109- 9 طلب کند.

110- 10 سوره آل عمران: آیه ۸۵.

و همین امر سبب شد بر غیر شتر خود علامت نهید، و در غیر آبشخور خود وارد شوید، - و به سراغ چیزی رفتید که از آن شما نبود و در آن حقی نداشتید و سرانجام به غضب حکومت پرداختید.

در حالی که هنوز چیزی از رحلت پیامبر نگذشته بود، زخم های مصیبت ما وسیع و جراحات قلبی ما التیام نیافته، و حتی هنوز پیامبر صلی الله علیه و آله به خاک سپرده نشده بود.

بهانه شما این بود که «می ترسیم فتنه ای برپا شود!»، و چه فتنه ای از این بالاتر که در آن افتادید؟ و همانا دوزخ به کافران احاطه دارد.

چه دور است این کارها از شما! راستی چه می کنید؟ و به کجا می روید؟

با این که کتاب خدا - قرآن - در میان شماست، همه چیزش پرنور، نشانه هایش درخشنده، نواهی اش آشکار، اوامرش واضح، اما شما آن را پشت سرافکنید!

آیا از آن روی برتافته اید؟ یا به غیر آن حکم می کنید؟ آه که ستمکاران جانشین بدی را برای قرآن برگزیدند.

«و هر کس آئینی غیر از اسلام را انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است.»



ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا (1) إِلَّا رَيْثَ [إِلَى رَيْثٍ أَنْ تَسْكُنَ نَفْرَتَهَا، وَيَسْلَسَ (2) قِيَادُهَا (3)، ثُمَّ أَخَذْتُمْ تُورُونَ (4) وَقَدَّتْهَا (5) وَتُهَيِّجُونَ جَمْرَتَهَا (6)، وَتَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ، وَإِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَإِخْمَادِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ ۝.

تُسْرُونَ حَسَوًّا فِي ارْتِعَاءِ، وَتَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ فِي الْخَمْرِ وَالضَّرَاءِ، وَنَصْبِرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزِّ (7) الْمُدَى (118)، وَوَحْزِ (8) السِّنَانِ فِي الْحَشَا.

وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَلَا إِرْثَ لَنَا؟

ص: ۳۶

111- 1- درنگ نکردید، از «لبث» درنگ نمودن.

112- 2- آسان شود.

113- 3- ریسمانی که با آن حیوانی را بکشند.

114- 4- آتش جنگ را روشن کردید.

115- 5- بر وزن «تمره» شعله.

116- 6- قطعه شعله ور شده از آتش.

117- 7- بریدن.

119- 8- با تیر و نیزه زدن اما نه به قدری که بشکافد.

آری، شما ناقه خلافت را در اختیار گرفتید، حتی این اندازه صبر نکردید که رام گردد، و تسلیمان شود، ناگهان آتش فتنه ها را برافروختید، و شعله های آن را به هیجان درآوردید و ندای شیطان اغواگر را اجابت نمودید، و به خاموش ساختن انوار تابان آئین حق و از میان بردن سنت های پیامبر پاک الهی پرداختید.

به بهانه گرفتن کف - از روی شیر - آن را به کلی تا ته مخفیانه نوشیدید.



ظاهراً سنگ دیگران را به سینه می زدید اما باطناً در تقویت کار خود بودید. برای منزوی ساختن خاندان و فرزندان او به کمین نشستید، ما نیز چاره ای جز شکیبایی ندیدیم، همچون کسی که خنجر بر گلوی او و نوک نیزه بر دل او نشسته باشد! عجب این که شما چنین می پندارید که خداوند ارثی برای ما قرار نداده و ما از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ارث نمی بریم!

ص: ۳۷

أَفْحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ؟ «وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ» \* (1) «أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَى تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ أَنَّى ابْتَتَّهُ.

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ أَغْلَبُ عَلَى إرْثِهِ؟ يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَ لَا أَرِثَ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا. (2)

أَفَعَلَى عَمَدٍ تَرْكُتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِذْ يَقُولُ: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» (3)(4) \*.

وَ قَالَ فِيمَا أَقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» (5)(6) \*، وَ قَالَ: «وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (7)(8) \*.

وَ قَالَ: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَى» (9) \*.

ص: ۳۸

120- 1سوره مائده: آیه ۵۰.

121- 2تهمت بزرگ و عجیب.

122- 3سوره نمل: آیه ۱۶.

4- 123....

124- 5سوره مریم: آیه ۵ و ۶.



6- 125....

126- 7سوره انفال: آیه ۷۵.

8- 127....

128- 9سوره نساء: آیه ۱۱.

آیا از حکم جاهلیت پیروی می کنید؟ «چه کسی حکمش از خدا بهتر است برای آنها که اهل یقینند؟»  
آیا شما این مسایل را نمی دانید؟ آری می دانید، و همچون آفتاب برای شما روشن است که من دختر اویم.

شما ای مسلمانان! آیا باید ارث من به زور گرفته شود؟

ای فرزند ابی قحافه! به من پاسخ ده! آیا در قرآن است که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارثی نبرم؟  
چه سخن ناروایی!

آیا عمداً کتاب خدا را ترک گفتید و پشت سر افکندید؟ در حالی که می فرماید: «و سلیمان وارث داود شد.»

و در داستان یحیی بن زکریا می گوید: «(خداوند!) تو از نزد خود جانشینی به من ببخش که وارث من و دودمان یعقوب باشد.»

و نیز می فرماید: «و خویشاوندان نسبت به یکدیگر در احکامی که خدا مقرر داشته (از دیگران) سزاوارترند.»

و نیز می گوید: «خداوند درباره فرزندانتان به شما سفارش می کند که سهم (میراث) پسر به اندازه سهم دو دختر باشد.»



وَقَالَ: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»\*(1)

وَزَعَمْتُمْ أَلَّا حَظُّوهُ (2) لِي وَكَأْرَثُ مِنْ أَبِي؟ وَكَأْرَحِمَ بَيْنَنَا؟ أَفَخَصَّكُمْ اللَّهُ بِآيَةٍ أَخْرَجَ مِنْهَا أَبِي؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَآبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَابْنِ عَمِّي؟

ص: ۴۰

129- 1سوره بقره: آیه ۱۸۰.

130- 2محبوبیت و منزلت.

و نیز فرموده: «(اگر کسی مالی از خود بگذارد) برای پدر و مادر و نزدیکان به طور شایسته وصیت کند، این حقی است بر پرهیزکاران.»

شما چنین پنداشتید که من هیچ بهره و ارثی از پدرم ندارم؟ و هیچ نسبت و خویشاوندی در میان ما نیست؟!

آیا خداوند آیه ای مخصوص شما نازل کرده است که پدرم را از آن خارج ساخته؟

یا می گوید: پیروان دو مذهب از یکدیگر ارث نمی برند، و من با پدرم یک مذهب نداریم؟

یا این که شما به عام و خاص قرآن از پدرم و پسر عمویم آگاه ترید؟

ص: ۴۱

فَدُونَكُمَا (1) مَخْطُومَةٌ (2) مَرْحُومَةٌ (3)، تَلَقَّاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ، فَنَعَمَ الْحَكَمُ اللَّهُ، وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ الْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ وَ لَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدُمُونَ، «وَلِكُلِّ نَبَالٍ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ» (4)(5) \* «مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ»\*(6) \*»



ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا (7) نَحْوَ الْأَنْصَارِ فَقَالَتْ:

يَا مَعْشَرَ الْفِتْيَةِ (النَّقِيبَةِ) (8) وَأَعْضَادَ (9) الْمَلَأَ، وَحَضَنَةَ (10) الْأِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ (11) فِي حَقِّي؟ وَالسَّنَةُ  
عَنْ ظُلَامَتِي؟

ص: ۴۲

131- 1 اسم فعل به معنای امر، بگير مرکب و شتر خلافت را.

132- 2 مهار شد.

133- 3 افسار زده و جل شده (آماده).

134- 4 سوره انعام: آیه ۶۷.

135.... 5

136- 6 سوره هود: آیه ۳۹.

137- 7 چشم یا نگاه.

138- 8 از «نقب» شاهد قوم که گفته او مورد قبول طایفه خود باشد، چهره های با نفوذ و شناخته شده.

139- 9 جمع عضد، نصرت و بازو.

140- 10 جمع «حاضن» حافظ و نگه دارنده.

141- 11 سستی در عمل و نادانی در عقل.

حال که چنین است پس بگیر آن - ارث مرا - که همچون مرکب آماده و مهار شده آماده بهره برداری است و بر آن سوار شو.

ولی بدان در قیامت تو را دیدار می کند و بازخواست می نمایم و در آن روز چه جالب است که داور

خداست، و مدعی تو محمد صلی الله علیه و آله، و موعد داوری، رستاخیز، و در آن روز باطلان زیان

خواهند دید، اما پشیمانی به حال شما سودی نخواهد داشت! بدانید: «هر چیزی - که خداوند به شما داده



سرانجام - قرارگاهی دارد - و در موعد خود انجام می گیرد - و به زودی خواهید دانست» «به زودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوار کننده به سراغش خواهد آمد و مجازات جاودان بر او وارد خواهد شد!»

سپس بانوی اسلام گروه انصار را مخاطب ساخته و با آهنگی رسا و محکم و کوبنده ادامه سخن داد و چنین فرمود: ای جوانمردان! و ای بازوان توانمند ملت و یاران اسلام این نادیده گرفتن حق مسلم من از سوی شما چیست؟ این چه تغافلی است که در برابر ستمی که بر من وارد شده نشان می دهید؟!

ص: ۴۳

أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبِي يَقُولُ: «الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ»؟

سَرَعَانَ (1) مَا أَحَدْتُمْ، وَعَجَلَانَ ذَا إِهَالَهُ (2)، وَ لَكُمْ طَاقَهُ بِمَا أَحَاوِلُ وَ قُوَّةَ عَلِيٍّ مَا أَطْلُبُ وَ أَزَاوِلُ.

أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ فَخَطَبُ (3) جَلِيلٌ اسْتَوْسَعَ (4) وَهَنَهُ (5)، وَ اسْتَنَهَرَ فَتْقَهُ (6)، وَ أَنْفَقَ رَتْقَهُ، وَ أَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِعَيْبَتِهِ، وَ كَسَفَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ، وَ أَكْدَتِ الْأَمَالَ (7)، وَ خَشَعَتِ الْجِبَالَ، وَ أَضِيعَ الْحَرِيمُ، وَ أَزِيلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ.

ص: ۴۴

142- 1 اسم فعل به معنای «سرع» و «عجل» یعنی چه با سرعت و با شتاب.

143- 2 پی و مانند آن است که ذوب شود.

144- 3 امر عظیم.

145- 4 از «وسعت»، گشاد شد.

146- 5 لباسی که پوسیده و پاره شده باشد.

147- 6 شکاف.



148- 7 خیرش تمام و منقطع شده.

آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله پدرم نمی فرمود: احترام هر کس را در مورد فرزندان او باید نگاه داشت؟ چه زود اوضاع را دگرگون ساختید، و چه با سرعت به بیراهه گام نهادید، با این که توانایی بر احقاق حق من دارید، و نیروی کافی بر آنچه می گویم در اختیار شماست.

آیا می گوید: محمد صلی الله علیه و آله از دنیا رفت - و با مُردن او همه چیز تمام شد، و خاندان او باید به دست فراموشی سپرده شوند و سنتش پایمال گردد؟ -

آری مرگ او مصیبت و ضربه دردناکی بر جهان اسلام بود. فاجعه سنگینی است که بر همه غبار غم فروریخت، و شکافش هر روز آشکارتر، و گسستگی آن دامنه دارتر، و وسعتش فزون تر می گردد، زمین از غیبت او تاریک، و ستارگان برای مصیبتش بی فروغ و امیدها به یاس مبدل گشت، کوه ها متزلزل گردید احترام افراد پایمال شد و با مرگ او حرمتی باقی نماند!

ص: ۴۵

فَتَلْكَ وَ اللهُ النَّازِلُ الْكُبْرَى وَ الْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى

لَامِثُهَا نَازِلُهُ، وَ لَا بَاقِيَهُ (1) عَاجِلُهُ، أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْنِيَتِكُمْ وَ فِي مُمَسَاكُمُ وَ مُصْبِحِكُمْ، هُتَافاً (2) وَ صَرَاحاً (3)، وَ تَلَاوَهُ وَ الْحَانَا، وَ لَقَبَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللهِ وَ رُسُلِهِ حُكْمَ فَضْلٍ، وَ قَضَاءَ حَتْمٍ.

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللهُ الشَّاكِرِينَ (4)\*.»

ص: ۴۶





150- 2-آواز بلند.

151- 3-صدای بلند.

152- 4-سوره آل عمران : آیه ۱۴۴.

به خدا سوگند این حادثه ای است عظیم و مصیبتی است بزرگ و ضایعه ای است جبران ناپذیر.

ولی فراموش نکنید اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفت قرآن مجید قبلاً از آن خبر داده بود، همان قرآنی که پیوسته در خانه های شماست، و صبح و شام با صدای بلند و فریاد و - یا - آهسته و با الحان مختلف در گوش ما خوانده می شود، پیامبران پیشین نیز قبل از او با این واقعیت روبرو شده بودند چرا که مرگ فرمان تخلف ناپذیر الهی است.

آری قرآن صریحاً گفته بود: «محمد صلی الله علیه و آله فقط فرستاده خداست، و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند، آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود شما به عقب برمی گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هر کس به عقب بازگردد هرگز به خداوند ضرری نمی زند و خداوند به زودی شاکران (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد.»

ص: ۴۷

إِيهَا (1) بَنِي قَيْلَةَ! أَهْضَمُ (2) تُرَاثِ أَبِي وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى مَنِّي وَمَسْمَعٍ، وَمُنْتَدَى (3) وَمَجْمَعٍ؟

تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَتَشْمَلُكُمْ الْخَبْرَةُ وَأَنْتُمْ ذُوو الْعَدَدِ وَالْعُدَّةُ، وَالْأَدَاةُ وَالْقُوَّةُ، وَعِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَالْجَنَّةُ، تُوَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ، وَتَاتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغِيثُونَ [تَعِينُونَ]، وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ (4)، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَالصَّلَاحِ، وَالنُّخْبَةُ الَّتِي انْتُخِبْتَ، وَالْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتِيرْتَ.

قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَتَحَمَلْتُمُ الْكَدَّ وَالتَّعَبَ، وَنَاطَحْتُمُ الْأُمَّمَ، وَكَافَحْتُمُ الْبَهْمَ (5)، لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمُرُونَ،



153- 1 اسم فعل به معنی امر، به کسی که ادامه گفتار و یا عملی را از کسی دیگر بخواهد «ایه» گفته می شود.

154- 2 از «هضم» شکستن، ظلم کردن، بازداشتن، نقص.

155- 3 مجلس و محل مشورت.

156- 4 بدون زره و سپر به استقبال دشمن رفتن.

157- 5 جمع «بهمه» مجهولی که شناخته نشود، قهرمان.

عجبا! «ای فرزندان قیله» (قیله زن با شخصیت و شرافتمندی است بود که نسب قبایل انصار به او منتهی می گردد) آیا ارث من باید پایمال گردد و شما آشکارا می بینید و می شنوید، و در جلسات و مجمع شما این معنی گفته می شود و اخبارش به خوبی به شما می رسد و باز هم خاموش نشسته اید؟ با این که دارای نفرت کافی و تجهیزات و نیروی وسیع و سلاح و سپر هستید، دعوت مرا می شنوید و لیبک نمی گوید؟ و فریاد من در میان شما طنین افکن است و به فریاد نمی رسید؟ با اینکه شما در شجاعت زبانزد می باشید و در خیر و صلاح معروفید، و شما برگزیدگان اقوام و قبایل هستید.

با مشرکان عرب پیکار کردید و رنج ها و محنت ها را تحمل نمودید، شاخ های گردنکشان را در هم شکستید، و با جنگجویان بزرگ دست و پنجه نرم کردید، و شما بودید که پیوسته با ما حرکت می کردید، و در خط ما قرار داشتید، دستورات ما را گردن می نهادید و سر بر فرمان ما داشتید،

حَتَّىٰ إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَىٰ الْإِسْلَامِ، وَدَرَّ (1) حَلْبُ (2) الْأَيَّامِ، وَخَضَعَتْ نَعْرَهُ (3) الشَّرِكِ، وَسَكَنْتْ فَوْرَهُ (4) الْأُفْكَ، وَخَمَدَتْ (5) نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَهَدَّاتْ (6) دَعْوَهُ الْهَرَجِ (7)، وَاسْتَوْتَقَ [ (8) اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَأَنَّى حَرِّتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ؟ وَاسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ؟ وَنَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ؟ وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيْمَانِ؟



«أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدُّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (9)\*.»

ص: ۵۰

158- 1- جریان و کثرت.

159- 2- شیر دوشیده شده.

160- 3- در این جا خضوع گردنکشان.

161- 4- هیجان.

162- 5- شعله های آتش فرو نشست.

163- 6- آرامش پیدا کرد.

164- 7- فتنه.

165- 8- نظم یافت.

166- 9- سوره توبه: آیه ۱۳.

تا آسیای اسلام بر محور وجود خاندان ما به گردش درآمد، و شیر در پستان مادر روزگار فزونی گرفت، نعره های شرک در گلوها خفه شد و شعله های دروغ فرو نشست، آتش کفر خاموش گشت، و دعوت به پراکندگی متوقف شد و نظام دین محکم گشت.

پس چرا بعد از آن همه بیانات قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله امروز حیران مانده اید؟ چرا حقایق را بعد از آشکار شدن مکتوم می دارید و پیمان های خود را شکسته اید، و بعد از ایمان راه شرک پیش گرفته اید؟

«آیا با گروهی که پیمان های خود را شکستند و تصمیم به اخراج پیامبر صلی الله علیه و آله گرفته اند پیکار نمی کنید؟ در حالی که آنها نخستین بار (پیکار با شما را) آغاز کردند، آیا از آنها می ترسید؟ با این که خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن هستید.»



ص: ۵۱

أَلَا قَدْ أَرَىٰ أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ (1)، وَأَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ، قَدْ خَلَوْتُمْ بِالِدَّعَةِ (2) وَنَجَوْتُمْ مِنَ الضِّيقِ بِالسَّعَةِ، فَمَجَجْتُمْ (3) مَا وَعَيْتُمْ، وَدَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ (4).

فَ «إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ (5)».\*

أَلَا وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ عَلَىٰ مَعْرِفَةِ مِنِّي بِالْخَذَلِ الَّتِي خَامَرْتَكُمْ وَالْغَدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ، وَلَكِنَّهَا فَيْضُهُ النَّفْسِ، وَنَفَثُهُ (6) الْغَيْضِ [الْغَيْظِ]، وَخَوْرُ (7) الْقَنَاهِ (8) وَبَثُّهُ (9) الصَّدْرِ، وَتَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ.

ص: ۵۲

167- 1- آسایش زندگی.

168- 2- راحت و آرامش.

169- 3- ریختن.

170- 4- از «ساغ الشراب» به سهولت و آسانی نوشیدید.

171- 5- سوره ابراهیم: آیه ۸.

172- 6- نفثه المصدور: آه کشیدن از درد سینه.

173- 7- ضعف و سستی.

174- 8- نیزه.

175- 9- نشر و اظهار، غمی که انسان توانایی کتمان آن را ندارد و اظهار می کند.

آگاه باشید من چنین می بینم که شما رو به راحتی گذارده اید، و عافیت طلب شده اید، کسی را که از همه برای زعامت و اداره امور مسلمین شایسته تر بود دور ساختید، و به تن پروری و آسایش در گوشه خلوت تن دادید، و از فشار و تنگنای مسؤولیت ها به وسعت بی تفاوتی روی آوردید.



آری آنچه را از ایمان و آگاهی در درون داشتید بیرون افکندید، و آب گوارایی را که نوشیده بودید به سختی از گلو بر آوردید! اما فراموش نکنید خداوند می فرماید: «اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید (به خدا زبانی نمی رسد، چرا که) خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است.»

بدانید و آگاه باشید من آنچه را باید بگویم، گفتم، با این که به خوبی می دانم ترک یاری حق با گوشت و پوست شما آمیخته، و عهدشکنی قلب شما را فرا گرفته است ولی چون قلبم از اندوه پُر بود - و احساس مسؤلیت شدیدی می کردم - کمی از غم های درونی ام بیرون ریخت، و اندوهی که در سینه ام موج می زد خارج شد، تا با شما اتمام حجت کنم و عذری برای احدی باقی نماند.

ص: ۵۳

فَدُونَكُمْوَهَا فَاحْتَقِبُوهَا (1) دَبْرَهُ (2) الظُّهْر، نَقِيْبَهُ [نَقْبَهُ (3) الخُفِّ، بَاقِيَهَ العَارِ (4) مَوْسُومَهَ بَغْضَبِ اللّٰهِ وَ شَنَارِ (5) الأَبَدِ، مَوْصُولَهَ بِنَارِ اللّٰهِ المَوْقَدَهَ الَّتِي تَطْلُعُ عَلَيَّ الأَفْنَدَهَ.

فَبِعَيْنِ اللّٰهِ مَا تَفْعَلُونَ. «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (6)».\*

وَ أَنَا ابْنُهُ نَذِيرٍ لِّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا «إِنَّا عَامِلُونَ (8) - (7)» \*وَ أَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ (9)».\*

ص: ۵۴

176- 1 از «حقب» ریسمانی که با آن رحل را به شکم شتر می بندند و آماده سوار شدن می شود.

177- 2 زخمی که در پشت شتر و یا هر مرکبی باشد.

178- 3 نازک شدن پشت پای شتر.

179- 4 عیبی که در معرض زوال نباشد.

180- 5 عیب و عار.

181- 6 سوره شعراء: آیه ۲۲۷.



182- 7-سوره شعراء: آیه ۲۲۷.

8- 183....

184- 9-سوره هود: آیه ۱۲۲ - ۱۲۱.

اکنون که چنین است این مرکب خلافت و آن فدک، همه از آن شما، محکم بچسبید و رها نکنید ولی بدانید این مرکبی نیست که بتوانید راه خود را بر آن ادامه دهید: پشتش زخم، و کف پایش شکافته است! داغ ننگ بر آن خورده، و غضب خداوند علامت آن است، و رسوایی ابدی همراه آن، و سرانجام به آتش برافروخته خشم الهی که از دل ها سربرمی کشد خواهد پیوست!

فراموش نکنید آنچه را انجام می دهید در برابر خداست.

«آنها که ستم کردند به زودی می دانند که بازگشتشان به کجاست!»

و من دختر پیامبری هستم که شما را در برابر عذاب شدید انذار کرد، «آنچه از دست شما بر می آید انجام دهید، ما هم انجام می دهیم؛ و انتظار بکشید، ما هم منتظریم.»

ص: ۵۵